



روشناسی مطالعات عاشورایی

متن پیش رو بخشی از کتاب «میانی مدیریت عاشورایی: روشنشناسی و رویکردها» اثر سیدعلی اصغر علوی است؛ این کتاب به همت انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) در زمستان ۹۳ منتشر شده است.

متن پیش رو بخشی از کتاب «میانی مدیریت عاشورایی: روشنشناسی و رویکردها» اثر سیدعلی اصغر علوی است؛ این کتاب به همت انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) در زمستان ۹۳ منتشر شده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، در این نوشتار، سید علی اصغر علوی در حوزه مطالعات عاشورایی، روشی مبتنی بر اصول موجود استنباطی و روش تحقیقی پیشنهاد می‌دهد، روشی که شامل دو پیش‌نیاز و پنج گام عملی برای رسیدن به نتیجه است. در آخر هم از روش اجتهادی موجود در بحث‌های فقهی و فقه‌الاداره به‌طور گذرا الهام گرفته می‌شود.

پیش‌نیاز اول: مطالعه و فیش‌برداری

منابع عاشورایی برای مطالعه در سه ساحت:

کتاب تاریخی در حوزه عاشورا، مثل کتاب «قصه کربلا» (حجت‌الاسلام نظری منفرد) و نیز کتب مقاتل و...

کتاب تحلیلی در حوزه عاشورا، مثل شش‌جلدی «با کاروان حسینی از مدینه تا مدینه»، دوجلدی «زمینه‌های قیام، آینه در کربلاست» (دکتر سنگری) و...

کتاب عاطفی در حوزه عاشورا، مثل «خصائص الحسینیة» (شیخ جعفر شوشتری)، «فتح خون» (شهید آوینی) و...

پیش‌نیاز دوم: توسل

در عاشورا پژوهی، «توسل» جزء روش است. باید با حسین زیست. باید با پدیده‌های کربلا هم‌نفس شد. تنها نباید به روایت عالمانه عاشورا بسنده کرد. محقق نباید گزارش‌گر صرف پدیده‌ها باشد. باید «مع الحسین» بود. شاید مکتب «تفسیری-نمادین» این پیام را فهم کنند.

مهم نیست کربلا باشیم یا غیرآن؛ مهم کربلایی بودن است؛ مهم آن است که هر جا هستیم، کربلا آفرین باشیم! هر چند گاهی نیاز است برای حرکت شتابنده، تقسی تازه کنیم و در این حرکت، گاهی برای انجام کاری صدایمان می‌زنند، به آستانشان می‌طلبند و اجازه حضور در حریمشان را می‌دهند، چراکه مسئله توسل و مکان، علل غیرپژوهشی اما کاملاً مؤثر بر پژوهش‌اند که معمولاً به آن‌ها توجه کافی نمی‌شود؛ از این‌رو در بحث اثربخشی پژوهش و روشنشناسی، باید به این مسئله پرداخت. چه بهتر که او برایمان تدبیری مؤثر بیندیشد: «أَعْنِي بِتَذْيِيرِك لِي عَنْ تَذْيِيرِي» [۱] در اندیشکده عاشورایی، شأن مکان و توسل را نیز باید دید و این نیازمند خلوتی است برای تنفس و تفکر و تذکر.

گام اول: نگاه مسئله‌محور

بررسی مسائل مختلف در رشته مورد نظر:

اگر کربلا دارالشفاست، باید دردها را به کربلا برد تا شفا گرفت، به حکم:

طبيب عشق مسيحا دم است و مشفق ليک

چو درد در تو نبیند که را دوا بکند

باید اهل درد شد و درد را شناخت تا درمان گرفت، آن‌جاست که «خوشا دردی که درمانش حسین است» معنا پیدا می‌کند. [۲]

عواملی که باعث تقویت چشم مسئله‌یاب می‌شود عبارت است از:

۱- ذهن پیچیده و اندوخته از نظریه‌ها، مدل‌ها و الگوها

۲- افزایش دانایی

۳- ممارست و تمرین

۴- پرهیز از سطحی‌نگری

۵- تربیت و آموزش

۶- روزمرگی و نزدیکی بیش‌ازاندازه به مسئله [۳]

گام دوم: بازگشت مجدد به متون تاریخی

در این مرحله دوباره به متون تاریخی مراجعه می‌کنیم. البته به همراه تمرکز بر قلمروهای موضوعی محدودتر متناسب با مسائل.

گام سوم: تکرار و انس با متون

توصیه و تعالیم دین بر این حقیقت تأکید دارند که: سخنان را برای فهم و درایت بشنوید، نه برای نقل و روایت که راویان کتاب بسیاری و فهم‌کنان اندک و از خدا کمک خواهیم. [۴] و نیز یک روایت را عمیق شدن از هزار روایت را سطحی خواندن بهتر دانسته‌اند. [۵]

یکی از راه‌های تحقق این هدف، تکرار روایات با رویکرد درایت است به این معنا که در راه رسیدن به هدف بزرگ تدبر در عاشورا باید از روش تدبر در کربلا و تأمل در عاشورا به مثابه قرآن عمل شده و اجرایی بهره برد و این با انس و تکرار با متون حاصل خواهد شد.

گام چهارم: بررسی تحلیل بزرگان در مسائل مختلف

با تکیه بر نحوه بهره‌گیری از تاریخ بزرگان مانند حضرت آقا، حجج اسلام پناهیان، ماندگاری، نقی‌پورفر و نیز دکتر سنگری و دکتر دلشاد تهرانی و... به تحلیل می‌پردازیم.

گام پنجم: مطالعه متون علم نوین با نگاه مهندسی معکوس

چگونگی دسته‌بندی و مدل‌سازی مفاهیم و داده‌ها و رسیدن به مدل و نظریه

آثار بزرگان دینی را هم با این نگاه مجدد مرور کنید:

شهید مطهری، علامه طباطبایی، آیت‌الله جوادی آملی و...

در جدول زیر به‌طور خلاصه روش‌شناسی مطالعات عاشورایی بیان شده است:

دریچه‌ای تازه به بحث‌های روشی، ملهم از آموزه‌های روشی تدبر در قرآن

آن‌چه دیگر روش‌های تحقیقی به آن عنایت ندارند، اما در متون نورانی از آن ناگزیریم: اگر حسین هم‌تا و عدل قرآن است، روش رسیدن به یکی، قابل الگوبرداری و الهام‌بخشی برای دیگری خواهد بود...

قرآن طالب خود را آزمایش می‌کند و تا مطمئن نشود جوینده حقیقی است، چیزی به او نخواهد داد. هرچند قرآن کتابی ساکت

است، اما کتابی بی تفاوت نیست که برایش فرق نکند که خواننده او کیست. قرآن از ضمیر خواننده خود باخبر است. گاه مدت‌ها خواهان خود را به اصطلاح سرمی‌دواند و رو نشان نمی‌دهد تا ببیند طالب حقیقی است یا خیر؛ اما اگر صبر و اصرار و پافشاری باشد و نیت را نیز خالص ببیند، او را مأیوس نخواهد کرد. برای همین است که تحقیقات «تفنی» در قرآن راه به جایی نمی‌برد.

نکته دیگر این که هرکس از روی هوای نفس و شهرت‌طلبی وارد قرآن شود، ناکام بیرون خواهد آمد. علم قرآن به خلاف علوم طبیعی و تجربی است. در علوم تجربی هرکس فکر خود را به کار اندازد و آزمایش کند، ولو این که تحقیق و مطالعه‌اش طولانی شود، بالاخره راه به جایی می‌برد و صرف نظر از این که چه نیتی داشته باشد، به توفیقاتی نایل می‌شود، اما در مورد قرآن چنین نیست. قرآن باطن خود را متناسب با نیت جوینده ظاهر می‌کند، اگر نیت محقق را خالص نبیند، کماکان ساکت باقی خواهد ماند؛ اما اگر نیت از تحقیق را طلب هدایت خود و دیگران ببیند، آن‌گاه به اندازه ظرفی که آورده و ظرفیتی که دارد، چیزهایی به او خواهد داد که قبلاً تصورش را هم نمی‌کرد. (وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ) [۶] هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند نیز محلی برای خروج او (از هر بن‌بستی) قرار می‌دهد و از جایی به او رزق مادی و معنوی می‌رساند که تصورش را هم نمی‌کرد. [۷]

در تحقیقات دینی تذکر به این نکته بسیار مهم است که محقق با یک وجود کاملاً زنده و فعال روبه‌رو است، نه با یک متن بی‌روح یا یک تاریخ ساکت و بی‌تفاوت. با توجه به همین سرفصل، جایگاه اشک و توسل و روضه در مطالعات و تحقیقات عاشورایی بیش از پیش مشخص و برجسته می‌شود. بر این اساس هرشب باید حضرت حسین را التماس کرد تا فردایی دیگر، اذن نفس کشیدن به پژوهندگان را بدهد و هر صبح هم {هم‌قدم شبنم اشک سحر} باید رزق یک روز دیگر «با او بودن» را گرفت: «صلی الله علیک یا ابا عبدالله».

دعای عرفه امام حسین (ع) - مفاتیح الجنان.

رفاقت به سبک حبیب، ص ۸/

حد فرامرز قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی.

تحف العقول، ترجمه جنتی، متن، ص: ۳۵۵/

اعْقِلُوا الْخَبَرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلَ رَعَايَةٍ لَا عَقْلَ رَوَايَةٍ فَإِنَّ رَوَاهُ الْعِلْمُ كَثِيرٌ وَرَعَاتُهُ قَلِيلٌ (نهج البلاغه، حکمت ۹۸)

طلاق، آیه ۲ و ۳/

حکومت سلیمانی و حکومت مهدوی، عبدالله مستحسن، نشر سبط النبی قم، صص ۱۷۷ و ۱۷۸/